بسمه تعالی

**موضوع**: واجبات رکوع /رکوع /صلاه

فهرست مطالب:

[ادامه مساله 8 1](#_Toc137488515)

[مقتضای روایات 3](#_Toc137488516)

[یک: روایت اسحاق بن عمار 3](#_Toc137488517)

[روایت دوم: ابی بصیر 3](#_Toc137488518)

[اشکالات به اطلاق روایات 3](#_Toc137488519)

[اشکال اول: محقق خوئی 3](#_Toc137488520)

[اشکال دوم: محقق بروجردی 4](#_Toc137488521)

[اشکال سوم: محقق خوئی 4](#_Toc137488522)

[روایات مقید و معارض 4](#_Toc137488523)

[روایت مقید: روایت ابی بصیر 4](#_Toc137488524)

[اشکال اول: اشکال عام به ظهور روایات 6](#_Toc137488525)

[اشکال دوم: محقق بروجردی 6](#_Toc137488526)

**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسه گذشته ادامه مساله 8 مطرح شد. مقتضای قاعده در کلام محقق حائری مورد بررسی قرار گرفت در ادامه کلام محقق بروجردی در مقتضای روایات مطرح شد.

# ادامه مساله 8

بحث در این است که بعد از دخول در سجده اولی، یادش آمد که رکوع را فراموش کرده است، مشهور گفته اند: نماز باطل است.

به نظر ما هم اطلاق معتبره اسحاق بن عمار و روایت محمد بن سنان را پذیرفتیم که اقتضای بطلان این نماز را دارد

در معتبره اسحاق بن عمار آمده است:

«الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ ع عَنِ الرَّجُلِ يَنْسَى أَنْ يَرْكَعَ قَالَ يَسْتَقْبِلُ حَتَّى يَضَعَ كُلَّ شَيْ‌ءٍ مِنْ ذَلِكَ مَوَاضِعَهُ»[[1]](#footnote-1)

ظاهر یستقبل، استقبال نماز و از سرگرفتن است.

روایت دوم محمد بن سنان است:

«عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ أَنْ يَرْكَعَ قَالَ عَلَيْهِ الْإِعَادَةُ»[[2]](#footnote-2)

اطلاق این دو روایت، فرض تذکر نسیان رکوع، قبل از دخول در سجده ثانیه را شامل است.

گفته شد که صحیحه ابی بصیر صلاحیت تقیید این دو روایت را دارد:

«الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ مَنْصُورٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا أَيْقَنَ الرَّجُلُ أَنَّهُ تَرَكَ رَكْعَةً مِنَ الصَّلَاةِ وَ قَدْ سَجَدَ سَجْدَتَيْنِ وَ تَرَكَ الرُّكُوعَ اسْتَأْنَفَ الصَّلَاةَ»[[3]](#footnote-3)

مفهوم این روایت این است که اگر قبل از دو سجده، متذکر نسیان رکوع شود، نیازی به اعاده نماز نیست که یک فرد از این مفهوم این است که قبل از دخول در سجده ثانیه متذکر نسیان رکوع شود، نماز صحیح است.

محقق نائینی فرمودند: این شرط مفهوم ندارد؛ چون شرط محقق موضوع است.

اشکال ایشان را ما متوجه نشدیم؛ شرط محقق موضوع مثل اذا رکب الامیر فخذ رکابه است و اینجا اذا ایقن الرجل انه ترک رکوعا چطور این شرط، محقق موضوع است؟ آیا بدون این شرط استیناف نماز ممکن نیست؟

علاوه بر اینکه شرط بر فرض محقق موضوع باشد، تنها این شرط اول که نیست و شرط دومی هم داشت که قد سجد سجدتین، به لحاظ شرط دوم چرا مفهوم نداشته باشد مثل اینکه بگوید: اذا رکب الامیر و قد تعمم فخذ رکابه که به لحاظ شرط دوم چرا این جمله مفهوم نداشته باشد؟

ثالثا: ما به دنبال مفهوم شرط نیستیم ولو در کلمات مفهوم شرط مطرح شده است، بلکه به مفهوم وصف تمسک می کنیم که امام فرمودند: «قد سجد سجدتین» و نفرمودند «قد سجد»ف پس مطلق دخول در سجود برای لزوم اعاده نماز کافی نیست؛ چون ذکر سجدتین لغو می شود.

 البته این مشروط به این است که استظهار کنیم که امام این جمله را فرمودند نه اینکه راوی سوال کرده است که «رجل ایقن انه ترک رکوعا و قد سجد سجدتین» و امام علیه السلام در جواب فرموده باشند: استانف الصلاه و بعد ابی بصیر بین سوال سائل و جواب امام تلفیق کند و به امام این کلام ملفق را نسبت بدهد که در این صورت استدلال به مفهوم روایت مشکل است اما این احتمالات را ما خلاف ظاهر می دانیم.

## اشکال محقق بروجردی

محقق بروجردی اشکال دیگری مطرح فرمودند:

در روایت فرموده است: ترک رکعه این رکعه اگر به معنای رکوع باشد، استدلال به روایت خوب است اما بعد از این جمله آمده است که ترک الرکوع و احتمال قوی تر این است که رکعه به معنای ظاهر عرفی و معنای مصطلح باشد که یک رکعت کامل است مثل اینکه نماز صبح که دو رکعت است رکعت دوم را ترک کرده است و نحوه ترک رکعت دوم این گونه است که سجدتین آن رکعت را اتیان کرده اما رکوعش را نیاورده است و ترک رکعه صدق نمی کند مگر بعد از فراغ از نماز و الا در وسط نماز صبح که گفته نمی شود که رکعت دوم از نماز صبح را ترک کردم! وقتی نماز صبح تمام شود و ملتفت شود صدق می کند که رکعت دوم را فراموش کرده است؛ لذا این روایت مربوط به التفات بعد از نماز است و ربطی به تذکر نسیان رکوع در اثناء نماز ندارد تا بتوان مفهوم گیری کرد که اگر یک سجده کرده باشد، نماز باطل نیست.

در ادامه ایشان فرمودند: باید بین این روایت و صحیحه محمد بن مسلم تعارض را حل کرد.

## بررسی اشکال محقق بروجردی

رکعت در بسیاری از استعمالات به معنای عرفی امروز آمده است که گفته می شود نماز صبح دو رکعت است یا ظهر چهار رکعت است اما در برخی از روایات رکعت به معنای رکوع آمده است

### روایت اول: صحیحه عمر بن اذینه

«فَمِنْ أَجْلِ ذَلِكَ- صَارَتْ سَجْدَتَيْنِ وَ رَكْعَةً»[[4]](#footnote-4)

نماز در شب معراج پیامبر را توضیح می دهد و می فرماید: به همین خاطر نماز دارای دو سجده و یک رکوع شد.

این عبارت در ادامه این است که یک رکوع و دو سجده انجام داد.

### روایت دوم: فضل بن شاذان

«وَ إِنَّمَا جُعِلَتِ الصَّلَاةُ رَكْعَةً وَ سَجْدَتَيْنِ- لِأَنَّ الرُّكُوعَ مِنْ فِعْلِ الْقِيَامِ وَ السُّجُودَ مِنْ فِعْلِ الْقُعُودِ- وَ صَلَاةَ الْقَاعِدِ عَلَى النِّصْفِ مِنْ صَلَاةِ الْقَائِمِ- فَضُوعِفَ السُّجُودُ لِيَسْتَوِيَ بِالرُّكُوعِ»[[5]](#footnote-5)

چرا نماز مشتمل بر یک رکوع و دو سجده است؟ در این روایت توضیح می دهد که چون سجود در حال جلوس است و نصف رکوع است که در حال قیام است لذا دو سجده انجام می دهد تا با رکوع مساوی شود. در این روایت هم رکعت به معنای رکوع استعمال شده است.

### روایت سوم: صحیحه زراره و محمد بن مسلم

«زُرَارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالا سَأَلْنَا أَبَا جَعْفَرٍ ع عَنْ صَلَاةِ الْكُسُوفِ- كَمْ هِيَ رَكْعَةً وَ كَيْفَ نُصَلِّيهَا- فَقَالَ عَشْرُ رَكَعَاتٍ وَ أَرْبَعُ سَجَدَاتٍ»[[6]](#footnote-6)

عشر رکعات به معنای عشر رکوعات است.

### روایت چهارم: صحیحه حلبی

«عَنِ الْحَلَبِيِّ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ صَلَاةِ الْكُسُوفِ- كُسُوفِ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ- قَالَ عَشْرُ رَكَعَاتٍ وَ أَرْبَعُ سَجَدَاتٍ»[[7]](#footnote-7)

### روایت پنجم: جامع بزنطی

«وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الْقِرَاءَةِ فِي صَلَاةِ الْكُسُوفِ- وَ هَلْ يُقْرَأُ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ- قَالَ إِذَا خَتَمْتَ سُورَةً وَ بَدَأْتَ بِأُخْرَى- فَاقْرَأْ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ- وَ إِنْ قَرَأْتَ سُورَةً فِي رَكْعَتَيْنِ أَوْ ثَلَاثٍ- فَلَا تَقْرَأْ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ حَتَّى تَخْتِمَ السُّورَةَ»

سوال می کند از کیفیت قرائت در نماز کسوف که آیا قبل از هر رکوعی حمد بخواند؟ حضرت می فرمایند: اگر سوره ای را که شروع کرده قبل از رکوع تمام کرد، باید حمد را قبل از رکوع بعدی بخواند اما اگر سوره ای که شروع کرده، تمام نشده است، سوره حمد را نخواند.

در این روایت هم رکعت به معنای رکوع استعمال شده است.

جالب این است که در بعض روایات رکع به اتیان به رکعت آمده است، مثل اینکه رکع رکعه یعنی اتی برکعه اخری

در صحیحه ابی بکر حضرمی آمده است:

«أَبِي بَكْرٍ الْحَضْرَمِيِّ قَالَ: صَلَّيْتُ بِأَصْحَابِيَ الْمَغْرِبَ- فَلَمَّا أَنْ صَلَّيْتُ رَكْعَتَيْنِ سَلَّمْتُ- فَقَالَ بَعْضُهُمْ إِنَّمَا صَلَّيْتَ رَكْعَتَيْنِ- فَأَعَدْتُ فَأَخْبَرْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع فَقَالَ لَعَلَّكَ أَعَدْتَ- قُلْتُ نَعَمْ فَضَحِكَ ثُمَّ قَالَ- إِنَّمَا كَانَ يُجْزِيكَ أَنْ تَقُومَ فَتَرْكَعَ رَكْعَةً»

 ابی بکر می گوید: با تعدادی نماز مغرب خواندم و در رکعت دوم سلام دادم افرادی به من گفتند که دو رکعت خوانده ای و من نماز را اعاده کردم بعد به امام صادق علیه السلام بیان کردم. حضرت فرمودند: لازم نبود که نماز را اعاده کنی، یک رکعت دیگر بعد از سلام نماز انجام می دادی، کافی بود.

علماء هم در مورد برخی روایات دچار شبهه شده اند، مثل روایت صحیحه عیص که در باب نسیان رکوع مطرح می کند:

«عَنِ الْعِيصِ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ رَكْعَةً مِنْ صَلَاتِهِ- حَتَّى فَرَغَ مِنْهَا ثُمَّ ذَكَرَ أَنَّهُ لَمْ يَرْكَعْ- قَالَ يَقُومُ فَيَرْكَعُ»

تهذیب در جلد 2 ص 149 در انتهای روایت می گوید: «وَ يَسْجُدُ سَجْدَتَيِ السَّهْوِ»[[8]](#footnote-8) اما در جلد 2 ص 350 می گوید: «يَسْجُدُ سَجْدَتَيْنِ»[[9]](#footnote-9)

بعید نیست که این روایت به معنای این باشد که یک رکعت را فراموش کرده است؛ چون ظاهر اولی رکعت، رکعت کامله است و دو سجده سهو در روایت هم بخاطر سلام دادن در آخر نماز است.

نظر ما این است که درست است که رکعت ظاهر اولی آن، رکعت کامله است و در تعدادی از روایات رکعت، به معنای رکوع استعمال شده است اما در روایت ابی بصیر که فرمود: «إِذَا أَيْقَنَ الرَّجُلُ أَنَّهُ تَرَكَ رَكْعَةً مِنَ الصَّلَاةِ وَ قَدْ سَجَدَ سَجْدَتَيْنِ»[[10]](#footnote-10) به قرینه ذیل که فرمود: «قَدْ سَجَدَ سَجْدَتَيْنِ وَ تَرَكَ الرُّكُوعَ اسْتَأْنَفَ الصَّلَاةَ» معلوم می شود مراد ترک رکوع از نماز است و امام توضیح می دهند که رکوع را ترک کرده اما سجدتین را آورده است، پس بعید نیست به قرینه ذیل رکعت به معنای رکوع باشد.

ثانیا: بر فرض مراد از رکعت، همان رکعت مصطلح باشد، اگر به تنهایی می گفت: «إِذَا أَيْقَنَ الرَّجُلُ أَنَّهُ تَرَكَ رَكْعَةً مِنَ الصَّلَاةِ» قبول داریم که ظهور عرفی اش این است که نماز تمام شده است اما وقتی که حضرت توضیح می دهند که ترک رکعت به این نحو بوده است که قبل از رکوع به سجده رفته است، آیا در این صورت هم ظهور در فراغ از نماز دارد؟ به نظر ما ظهورش در این است که نماز هنوز تمام نشده است و الا می گفت: فرغ من الصلاه! لذا یا قدر متیقن از این روایت اثناء نماز است و یا اطلاقش شامل فرض اثناء نماز می شود و منحصر به فرض بعد از فراغ از نماز نیست.

علاوه بر اینکه ممکن است در اصل ادعای ایشان که فرمودند: ترک رکعه بعد از فراغ از نماز صادق است و در اثناء نماز صدق نمی کند، مناقشه بشود؛ چون گاهی مثلا فرد رکعت دوم نماز ظهر است و باید حمد و سوره بخواند اما حواسش پرت می شود و تسبیحات اربعه می خواند، آیا عرفا در اثناء صدق نمی کند که یک رکعت را ترک کرده است؟ به نظر ما این غیر عرفی نیست و در کلمات عامه هم این حالت ذکر شده که در اثناء نماز یک رکعت را فراموش کرده است. اگرچه ما این اشکال آخر را زیاد اصرار نداریم و عمده اشکالات قبلی است و لذا بعید نیست که صحیحه ابی بصیر ظاهرش این باشد که در اثناء نماز (بالاطلاق یا بالخصوص) متذکر شد؛ چون اگر بعد از فراغ از نماز متذکر می شد، مناسب بود گفته شود که فرغ من صلاته، اینکه فقط گفته اند: ترک الرکوع و سجد سجدتین ظاهرش این است که فقط سجدتین را آورده و دیگر نماز را تمام نکرده است؛ لذا ظهور قید سجدتین در احترازیت است و اقتضا می کند که دخول در سجده واحده موجب نماز نباشد و لذا معتقدیم که صحیحه ابی بصیر صلاحیت دارد که معتبره اسحاق بن عمار و روایت محمد بن سنان را به فرض بعد از دخول در سجده ثانیه تقیید بزند؛ یعنی در فرض دخول در سجده ثانیه است که این دو روایت دلالت بر بطلان نماز دارد و باید نماز را اعاده کند.

اگر کسی اشکال در مقید بودن صحیحه ابی بصیر کند، در این صورت برای معتبره اسحاق بن عمار و روایت محمد بن سنان معارض پیدا می کنیم که معارض آن صحیحه عبد الله سنان است:

«عَنْهُ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا نَسِيتَ شَيْئاً مِنَ الصَّلَاةِ رُكُوعاً أَوْ سُجُوداً أَوْ تَكْبِيراً- ثُمَّ ذَكَرْتَ فَاصْنَعِ الَّذِي فَاتَكَ سَوَاءً»[[11]](#footnote-11)

البته در بعض نقل ها «فَاقْضِ الَّذِي فَاتَكَ سَهْواً»[[12]](#footnote-12) آمده است.

این روایت مفادش این است که اگر سجود یا رکوع را فراموش کرد، آن چیزی که فراموش کرده را انجام دهد و اطلاقش نسبت به قبل از دخول در سجده ثانیه اقتضا می کند که آن رکوع را تدارک کند و نماز صحیح است و به آن رکوع فراموش شده، عرفا فات صدق می کند و این روایت معارض می شود با روایت محمد بن سنان و اسحاق بن عمار که می گفت باید نماز را اعاده کند و نسبت تباین است که یک روایت می گوید یعید و دیگری می گوید لایعید بعد از تعارض و تساقط، رجوع به قاعده اولیه می شود که می گفت اگر بعد از دخول در سجده اول، متذکر فراموشی رکوع شود، باید برگردد و رکوع را تدارک کند و سجدتین را اتیان کند و زیاده سجده واحده قبل از رکوع مشکلی ایجاد نمی کند.

محقق خوئی در جلد 18 موسوعه این صحیحه عبدالله بن سنان را مطرح کرده اند و انقلاب نسبت بین این روایات درست کردند به این بیان که صحیحه عبد الله بن سنان می گوید: «إِذَا نَسِيتَ شَيْئاً مِنَ الصَّلَاةِ رُكُوعاً أَوْ سُجُوداً أَوْ تَكْبِيراً- ثُمَّ ذَكَرْتَ فَاصْنَعِ الَّذِي فَاتَكَ سَوَاءً» معتبره اسحاق بن عمار هم می گوید: استقبل الصلاه یا اعد الصلاه

صحیحه عبد الله بن سنان یک مقیدی دارد به نام صحیحه رفاعه:

«رِفَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ أَنْ يَرْكَعَ حَتَّى يَسْجُدَ وَ يَقُومَ قَالَ يَسْتَقْبِلُ»[[13]](#footnote-13)

برخی بزرگان تفصیل دادند که اگر قبل از دخول در سجده ثانیه ملتفت شود، نماز صحیح است و بعد از التفات رکوع را تدارک می کند و بعد دو سجده بجا می آورد و زیاده آن یک سجده اشکال ندارد؛ چون زیاده سهویه است که نهایتا سجده سهو انجام می دهد. اما اگر بعد از دخول در سجده ثانیه باشد، نماز باطل است که این بطلان هم مقتضای روایات است و هم مقتضای قاعده؛ چون اگر بعد از سجده ثانیه بخواهد رکوع را بجا بیاورد و سجدتین را تدارک نکند، نقیصه سجود شرعی است؛ چون شرط سجود این است که بعد از رکوع باشد و اگر دو سجده را تدارک کند، زیاده سجود عرفی است به لحاظ دو سجده ای که قبل از رکوع انجام داده است.

اشکال این بیان این است که طبق نظر ایشان، جعل السابق زیاده دلیلی بر مبطلیت آن نیست و این ادعای ایشان که فرمودند: همان لحظه ای قبل از رکوع، دو سجده را بجا آورد، صدق می کند که زیاده سجده کرده است، اصلا عرفی نیست؛ چون اگر این فرد نسیانش ادامه پیدا می کرد و نماز را تمام می کرد، آیا عرف می گفت: نقص رکوع و زیاده سجده انجام داده است؟ عرف می گوید این نماز فقط نقصان رکوع دارد و آن دو سجده متصف به زیاده نمی شود مگر بعد از تدارک رکوع و انجام دو سجده بعد از رکوع که این همان جعل السابق زیاده است که محقق خوئی نباید اشکال کنند. البته ما معتقدیم که جعل السابق زیاده مشمول ادله من زاد است اما زیاده عمدیه نیست و زیاده غیر عمدیه در ارکان مبطل نماز است.

 اما مشکل اینکه دو سجده را بعد از رکوع تدارک نکند، این نیست که نقص سجود شرعی است تا بعد محقق خوئی هم بگویند «اگر این مورد قبول کنید، باید در موارد دیگر هم قبول کنید، مثل اینکه سهوا دو سجده بر مهر نجس کند که نقص سجود شرعی است و باید قبول کنید که نماز باطل است و حدیث لاتعاد شامل نیست.»

به نظر ما اگر بعد از رکوع دو سجده را تدارک نکند، نقص سجود عرفی هم است؛ چون اگر سجود را در محلش انجام نشود، نقص سجود عرفی است و اخلال به سجود محسوب می شود.

حاج شیخ عبدالکریم هم می فرمودند: آن چیزی که مبطل است نقص در سجود شرعی و زیاده در سجود شرعی و نقص در رکوع شرعی و زیاده در رکوع شرعی که به نظر ما حدیث لاتعاد می گوید: اخلال به رکوع و سجود عرفی زیادتا او نقیصتا مبطل است و اخلال به رکوع، شامل عدم اتیان رکوع در محل خودش هم می شود.

اینکه ایشان می فرمایند: اگر بنا بود زیاده رکوع عرفی مبطل باشد، پس کسانی که خم می شوند و به طرف سجود می روند، باید گفته شود که این افراد زیاده در رکوع عرفی کرده اند.

به نظر ما اصلا در این موارد رکوع را صادق نمی دانند، در عرف متشرعی، رکوع قوامش به قصد رکوع است و این شرط شرعی زاید نیست بلکه شرط متشرعی برای صدق عنوان رکوع است. چه بسا گفته می شود که اگر استقرار آنّاما نداشته باشد ولو قصد رکوع هم داشته باشد و بدون استقرار به طرف سجده برود، عرفا صدق رکوع نمی کند؛ چون محقق خوئی فرمودند: مقوم صدق رکوع عرفا به این است که بعد از رکوع سر از رکوع بردارد و یا یک استقرار مّا داشته باشد و بعد به سجده برود و الا صدق عرفی رکوع نمی کند؛ پس این کلام محقق حائری هم اشکال دارد.

## مقتضای روایات

اگر قبل از سجده ثانیه ملتفت شود که رکوع را فراموش کرده است دو روایت مطرح شده است که دال بر بطلان است:

### یک: روایت اسحاق بن عمار

«الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ ع عَنِ الرَّجُلِ يَنْسَى أَنْ يَرْكَعَ قَالَ يَسْتَقْبِلُ حَتَّى يَضَعَ كُلَّ شَيْ‌ءٍ مِنْ ذَلِكَ مَوَاضِعَهُ»[[14]](#footnote-14)

اطلاق این روایت شامل فرض دخول در سجده اولی هم می شود و ظاهر یستقبل، استقبال نماز و از سرگرفتن است.

### روایت دوم: ابی بصیر

«عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ أَنْ يَرْكَعَ قَالَ عَلَيْهِ الْإِعَادَةُ»[[15]](#footnote-15)

 این روایت هم اطلاقش شامل فرض دخول در سجده اولی هم می شود که ظاهر علیه الاعاده، اعاده نماز است و رکوع را که انجام نداده بود که اعاده رکوع صدق کند.

#### اشکالات به اطلاق روایات

به اطلاق روایت نسبت به فرضی که قبل از دخول در سجده ثانیه ملتفت شود، اشکالاتی شده است:

###### اشکال اول: محقق خوئی

ایشان نسبت به هر دو روایت می فرمایند: نسی ان یرکع آیا اطلاق دارد حتی نسبت به کسی که یک آن نسیان می کند و قبل از اینکه به سوی سجود برود ملتفت می شود؟ این خلاف ظاهر است، بلکه ظاهرش نسیانی است که منجر به فوت محل تدارک رکوع بشود و الا اگر نسی اطلاق داشته باشد، قابل التزام نیست که یک آن قبل از دخول در سجده اولی متذکر شود، حکم به اعاده نماز بشود.

جواب این اشکال این است که عرفا نسی از نسیانی که هنوز جزء بعدی را انجام نداده است و ملتفت می شود، منصرف است ولی بعد از انجام جزء بعدی که سجده اولی است، ملتفت می شود، انصراف آن وجهی ندارد.

از این روایت استفاده می شود که محل تدارک رکوع گذشته است که می فرماید باید اعاده کند.

###### اشکال دوم: محقق بروجردی

در عبارت یستقبل که یستقبل الصلاه نیامده است؛ لذا شاید مراد یستقبل الرکوع باشد.

محقق بروجردی در جلد 6 تبیان الصلاه فرمودند: این احتمال جدا بعید است اما در جلد 7 فرمودند: این احتمال واقعا وجود دارد که مراد از یستقبل، یستقبل الرکوع باشد.

به نظر ما انصافا ظاهر از یستقبل، یستقبل الصلاه است، یستقبل معنایش از سرگرفتن است و از سرگرفتن به قول مطلق، یعنی نماز را از سرگرفتن مانند علیه الاعاده که به قول مطلق یعنی نماز را اعاده کند و در روایات یک مورد هم نداریم که از رکوع و سجود تعبیر به یستقبل الرکوع و السجود شده باشد.

###### اشکال سوم: محقق خوئی

ایشان فرمودند: ظاهر یستقبل، یستقبل الصلاه است اما علت یستقبل را روایت اینگونه بیان می کند: «حَتَّى يَضَعَ كُلَّ شَيْ‌ءٍ مِنْ ذَلِكَ مَوَاضِعَهُ» یعنی نماز را از سربگیرد تا بتواند هر جزئی را در جای خودش اتیان کند حالا اگر فرد بتواند بدون اعاده، اجزاء را در جای خودش انجام دهد، نیازی به از سرگرفتن نماز نیست؛ لذا قبل از دخول در سجده ثانیه که ملتفت می شود، رکوع را تدارک می کند و دو سجده را انجام می دهد و هر جزئی را در موضع خودش انجام داده است و نیازی به اعاده نیست.

این اشکال هم خلاف ظاهر است؛ چون از همین روایت عرف استفاده می کند که رکوع قابل تدارک نیست.

به نظر ما دلالت این دو روایت قابل پذیرش است و باید به دنبال مقید و معارض بود.

#### روایات مقید و معارض

در مقابل این دو روایت، دو روایت به عنوان معارض یا مقید مطرح می شود:

###### روایت مقید: روایت ابی بصیر

روایت ابی بصیر هم در تهذیب و هم در استبصار با دو سند ذکر شده است که در یک سند منصور نیامده است که معلوم می شود منصور در آن سند سقط شده است و در هر دو کتاب این دو سند در یک باب آمده است و منصور مراد یا منصور بن یونس و یا منصور بن حازم است که هر دو ثقه هستند.

«الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ مَنْصُورٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا أَيْقَنَ الرَّجُلُ أَنَّهُ تَرَكَ رَكْعَةً مِنَ الصَّلَاةِ وَ قَدْ سَجَدَ سَجْدَتَيْنِ وَ تَرَكَ الرُّكُوعَ اسْتَأْنَفَ الصَّلَاةَ»[[16]](#footnote-16)

«الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا أَيْقَنَ الرَّجُلُ أَنَّهُ تَرَكَ رَكْعَةً مِنَ الصَّلَاةِ وَ قَدْ سَجَدَ سَجْدَتَيْنِ وَ تَرَكَ الرُّكُوعَ اسْتَأْنَفَ الصَّلَاةَ»[[17]](#footnote-17)

به مفهوم این روایت استدلال می شود به اینکه دخول در سجده اولی، مبطل نماز نیست؛ لذا برمی گردد و رکوع را تدارک می کند و مراد از مفهوم این روایت یا مفهوم شرط است که محقق خوئی به آن استدلال می کند که در روایت دو شرط بیان شده است یک: «أَنَّهُ تَرَكَ رَكْعَةً مِنَ الصَّلَاةِ»، دو: «قَدْ سَجَدَ سَجْدَتَيْنِ» با انتفای شرط دوم، جزاء منتفی می شود که استیناف نماز جزای شرط است ولو اینکه سجده واحده را انجام داده باشد.

و یا مراد از مفهوم، مفهوم وصف است که به ذهن ما رسیده بود و حاج شیخ عبدالکریم حائری هم این را فرموده اند و محقق بروجردی هم در نهایه التقریر جلد 2 ص 254 این استدلال را فرموده اند: «مقتضی الروایه باعتبار تقیید موضوع بما اذا سجد سجدتین، هو اختصاص وجوب استیناف الصلاه بهذه الصوره» مراد از هذه الصوره دخول در سجدتین است اما در تبیان الصلاه این بیان را ندارند.

به نظر ما این مفهوم؛ چه از باب مفهوم شرط و چه از باب مفهوم وصف باشد، قابل قبول است؛ چون اگرچه مفهوم شرط را فی الجمله قائل هستیم اما مفهوم فی الجمله آن هم همین می شود؛ و قد سجد سجدتین مفهوم فی الجمله آن این است که اذا لم یسجد سجدتین فلایجب الاستیناف و دیگر احتمال تفصیل در مساله نیست.

اگر گفته شود که شاید یک مصداق از مصادیق دخول در سجود (که سجد سجدتین است) را بیان کرده اند در مقابل جایی که اصلا داخل در سجود اول هم نشده است و از این فرد احتراز می کند؛ در این صورت به مفهوم وصف تمسک می کنیم که عرفی است؛ چون امام تقیید به سجدتین کردند و این ظهور در احترازی بودن، دارد و احترازی بودن قید ظهور در دخالت این قید در حکم دارد.

##### اشکال اول: اشکال عام به ظهور روایات

اشکالی که به ظهور روایات در اصول مطرح کردیم که نقل به معنا در روایات زیاد است اینجا هم به این استدلال وارد می شود به این بیان که امام علیه السلام عادتا ابتدا به ساکن بیان مساله نمی کردند، معمولا در جواب از سوال راوی، حضرت بیان مساله می کردند و روات هم نقل به معنای می کردند و اگر سوال در این مساله این باشد: رجل ایقن انه ترک رکوع الصلاه و قد سجد سجدتین؟ امام بفرمایند: یستانف الصلاه؛ قید سجدتین در کلام سائل مفهوم ندارد همانطور که شرط در کلام سائل هم مفهوم ندارد؛ چون ظهور در احترازی بودن، ندارد و ابی بصیر این روایت را نقل به معنا که می کند، در تمام موارد خودش را ملزم نمی داند که اینگونه «سالته فاجابه» مطرح کند و ممکن است اگر در روایات جستجو کنیم، مواردی را پیدا کنیم که راوی سوال را مطرح کند و بعد جواب امام را بیان کند و در روایت دیگری راوی تمام سوال و جواب را به صورت جمله واحد از امام نقل کند و اگر شاهدی هم پیدا نشود، احتمال این نحوه از نقل به معنا در روایات وجود دارد که با وارد شدن این احتمال در ظهور روایات، یک زلزله وحشتناکی در فقه ایجاد می شود؛ چون مفهوم وصف ها و مفهوم شرط ها زیر سوال می رود؛ چون ممکن است در کلام سائل این وصف و قید مطرح شده باشد.

در جواب از این اشکال، ما تمسک به ظهور قال در کلام راوی می کنیم که این شرط و قید را از قول امام نقل می کند و لااقل از باب انسداد و اینکه اگر به این احتمالات توجه شود، دیگر ظهور روایات در فقه مختل می شود! عقلاء به این ظهورات احتجاج می کنند و امام هم در روایت حمیری فرمودند: «الْعَمْرِيُّ ثِقَتِي فَمَا أَدَّى إِلَيْكَ عَنِّي فَعَنِّي يُؤَدِّي وَ مَا قَالَ لَكَ عَنِّي فَعَنِّي يَقُولُ فَاسْمَعْ لَهُ وَ أَطِعْ فَإِنَّهُ الثِّقَةُ الْمَأْمُونُ»[[18]](#footnote-18)

واقعا خلاف ظاهر است که ابی بصیر خودش جملات شرطیه و قید را مطرح کرده باشد و بعد در مقام نقل آنها به از قول امام معصوم نقل کند.

##### اشکال دوم: محقق بروجردی

ایشان در جلد 7 تبیان ص 58 فرمودند: شاید در جمله «اذا ایقن الرجل انه ترک رکعه» مراد از رکعه، رکوع نباشد بلکه رکعت به معنای مصطلح امروزی باشد که یک رکعت کامل است به قرینه اینکه در ادامه می گوید: ترک الرکوع و ترک رکعه زمانی صادق است که نماز تمام شده باشد و الا ترک رکعه در وسط نماز عرفا صدق نمی کند.

با توجه به این بیان، دو احتمال در روایت مطرح است:

احتمال اول: جلمه «قد سجد سجدتین و ترک الرکوع» مربوط به یک رکعت دیگر باشد، یعنی یک رکعت کامل را نسیانا ترک کرده است و یک رکوع از رکعت دیگری هم ترک کرده است.

محقق بروجردی می فرمایند: این احتمال خلاف ظاهر است و ظاهر احتمال دوم است.

احتمال دوم: ظاهر این است که همان رکعتی که ترک کرده است، دو سجده آن را انجام داده و رکوعش را ترک کرده است اما تعبیر به ترک رکعه ظهور در این دارد که بعد از نماز ملتفت به نسیان ترک رکوع در آن رکعت شده است و ربطی به التفات در نماز نسبت به نسیان رکوع ندارد که در این صورت حکم به اعاده نماز نه تنها شامل قبل از دخول در سجده ثانیه نمی شود بلکه شامل قبل از فراغ از نماز هم نمی شود. در ادامه محقق بروجردی می فرمایند: کسی که بعد از نماز متوجه می شود که رکوع را ترک کرده است، صحیحه محمد بن مسلم می گوید: «فِي رَجُلٍ شَكَّ بَعْدَ مَا سَجَدَ أَنَّهُ لَمْ يَرْكَعْ قَالَ فَإِنِ اسْتَيْقَنَ فَلْيُلْقِ السَّجْدَتَيْنِ»[[19]](#footnote-19)

این صحیحه را قبلا در جلد 6 فرمودند: معرض عنه اصحاب است اما در این جلد به آن تمسک می کنند و حتی شیخ طوسی هم به آن صحیحه فی الجمله عمل کرده است.

در این روایت می فرماید: دو سجده را القا کند، یعنی برگردد رکوع را تدارک کند و دو سجده بجا بیاورد و این دو روایت با هم تعارض می کنند که حمل نص بر ظاهر می شود به این بیان که روایت محمد بن مسلم که می گوید برگردد تدارک کند قدر متیقنش، فرضی است که منافی با نماز انجام نداده باشد و روایت ابی بصیر قدر متیقنش جای است که منافی انجام داده باشد و به قدر متیقن هر دو اخذ می شود و رفع تعارض می شود.

1. - الاستبصار فيما اختلف من الأخبار، ج‌1، ص: 356 [↑](#footnote-ref-1)
2. - الاستبصار فيما اختلف من الأخبار، ج‌1، ص: 356 [↑](#footnote-ref-2)
3. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص149.](http://lib.eshia.ir/10083/2/149/%D8%B3%D8%AC%D8%AF%D8%AA%DB%8C%D9%86) [↑](#footnote-ref-3)
4. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج5، ص467، أبواب ، باب، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/5/467/%D8%B5%D8%A7%D8%B1%D8%AA) [↑](#footnote-ref-4)
5. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج6، ص331، أبواب ، باب، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/6/331/%D9%81%D8%B6%D9%88%D8%B9%D9%81) [↑](#footnote-ref-5)
6. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج7، ص494، أبواب ، باب، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/7/494/%D8%B3%D8%AC%D8%AF%D8%A7%D8%AA) [↑](#footnote-ref-6)
7. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج7، ص495، أبواب ، باب، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/7/495/%D8%B3%D8%AC%D8%AF%D8%A7%D8%AA) [↑](#footnote-ref-7)
8. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص149.](http://lib.eshia.ir/10083/2/149/%D8%B3%D8%AC%D8%AF%D8%AA%DB%8C%20) [↑](#footnote-ref-8)
9. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص350.](http://lib.eshia.ir/10083/2/350/%D8%B3%D8%AC%D8%AF%D8%AA%DB%8C%D9%86%20) [↑](#footnote-ref-9)
10. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص149.](http://lib.eshia.ir/10083/2/149/%D8%B3%D8%AC%D8%AF%D8%AA%DB%8C%D9%86) [↑](#footnote-ref-10)
11. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج6، ص316، أبواب ، باب، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/6/316/%D8%B1%DA%A9%D9%88%D8%B9%D8%A7) [↑](#footnote-ref-11)
12. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج8، ص238، أبواب ، باب، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/8/238/%D8%B3%D9%87%D9%88%D8%A7) [↑](#footnote-ref-12)
13. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص348.](http://lib.eshia.ir/11005/3/348/%DB%8C%D8%B3%D8%AA%D9%82%D8%A8%D9%84) [↑](#footnote-ref-13)
14. - الاستبصار فيما اختلف من الأخبار، ج‌1، ص: 356 [↑](#footnote-ref-14)
15. - الاستبصار فيما اختلف من الأخبار، ج‌1، ص: 356 [↑](#footnote-ref-15)
16. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص149.](http://lib.eshia.ir/10083/2/149/%D8%B3%D8%AC%D8%AF%D8%AA%DB%8C%D9%86) [↑](#footnote-ref-16)
17. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص148.](http://lib.eshia.ir/10083/2/148/%D8%B3%D8%AC%D8%AF%D8%AA%DB%8C%D9%86) [↑](#footnote-ref-17)
18. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج1، ص330.](http://lib.eshia.ir/11005/1/330/%D8%A7%D9%84%D8%B9%D9%85%D8%B1%DB%8C) [↑](#footnote-ref-18)
19. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص149.](http://lib.eshia.ir/10083/2/149/%D9%81%D9%84%DB%8C%D9%84%D9%82) [↑](#footnote-ref-19)